

نامه آیت‌الله سیدرضا صدر به استاد علی دوانی

محمد حسن رجبی (دوانی)

پدرم، مرحوم استاد علی دوانی، طبق عادت مألوف خود، کتاب‌های جدیدی که منتشر می‌کرد، متناسب با موضوع، برای برخی دوستان نزدیک کتابخوان و صاحب‌نظر به رسم هدیه ارسال می‌کرد که از جمله آنها کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین است. این کتاب که از معروفترین و وزین‌ترین آثار مرحوم پدرم، طی پنجاه سال تألیف و تصنیف می‌باشد در نیمه دوم سال ۱۳۷۰ انتشار یافت و پس از آن به عنوان جلد هشتم مجموعه مفاخر اسلام منتشر شد (۱۳۷۵).

چنانکه پدرم در مقدمه همین کتاب نیز یادآور شده از دوران نوجوانی، با نام و آثار علامه مجلسی مأنوس بوده و آثار او را با علاقه تمام تهیه می‌کرده و می‌خوانده است. تقدیر نیز چنان بود که در سال ۱۳۳۷ و پس از انتشار کتاب شرح زندگانی وحید بهبهانی که مورد تقدیر آیت‌الله بروجردی (ره) قرار گرفت، از طرف آن مرحوم مأموریت یافت تا جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی را با توضیحات لازم ترجمه کند. بدان مناسبت پدرم طی دو سال، مطالعه وسیعی پیرامون شرح حال و آثار علامه مجلسی انجام داد و شرح حال آن عالم نامدار را در ۸۷ صفحه در مقدمه چاپ اول کتاب آورد. از آن پس به مرور ایام به هر مطلب و نکته جدیدی که راجع به علامه مجلسی برخورد می‌کرد ضبط و یادداشت می‌نمود و سرانجام با مرارت فراوان که - بیرون از گفتار ماست - به خواست دیرین خود جامه عمل پوشید و کتاب علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین را در سال ۱۳۷۰ منتشر ساخت.

اندکی پس از انتشار، نسخه‌ای از آن را نزد دوست دانشمند و دیرین و با وفای خود مرحوم آیت‌الله سیدرضا صدر فرستاد که آن مرحوم نیز پس از مطالعه کامل کتاب، نامه ذیل را به تاریخ ۳ شعبان ۱۴۲۱ قمری (برابر با ۱۸ بهمن ۱۳۷۰) برای پدرم ارسال داشت. ایشان ضمن تقدیر از رنج بزرگی که پدرم در تألیف این کتاب برده بود، طی چند صفحه به تبیین جایگاه و شخصیت والا و منحصر به فرد علمی، دینی و

سیاسی علامه مجلسی می‌پردازد که درج آن برای علاقه‌مندان به تاریخ و شرح حال نگاری سودمند خواهد بود. لذا بدون هرگونه شرح و تفسیری، نسبت به درج آن اقدام می‌شود.

نابغه علم و عقل

دوست من آقای علی دوانی، رنجی برده و زحمتی کشیده و خدمتی به عالم علم و دانش انجام داده و کتابی در شرح حال بزرگترین نابغه علمی ایران و اسلام به رشته تحریر درآورده که پاداش خود را از خود آن مرد بزرگ بایستی بگیرد. ای کاش رنجی دیگر به کار می‌برد و کتاب ارجمند خود را خالی از غلط از چاپ در می‌آورد. به هر حال رنج علمی آقای دوانی شایسته قدردانی از سوی مقام علم و دانش می‌باشد، چون خدمتی است به علم و دانش.

نابغه علمی ما فقیه بزرگ، محدث عالی مقام، محقق بی‌نظیر، اندیشمند و متفکر عالی اسلام، علامه محمد باقر مجلسی است حضرتش از درخشان‌ترین ستارگان علم در تاریخ اسلام می‌باشد. خدماتی گرانبها و بی‌نظیر از آن حضرت نسبت به اسلام و مسلمین صادر شده که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از آن جمله بالا بودن سطح فرهنگ و معرفت ایرانیان و فارسی‌زبانان می‌باشد که خود، آن را بالحسّ والعیان مشاهده کرده‌ام. شما یک تن ایرانی دور افتاده از علم و دانش را در نظر بگیرید که در بیابانی بی‌آب و گیاه زیست داشته باشد و زادگاهش همان جا و آرامگاهش نیز همان جا باشد، با نظیر او در کشورهای دیگر اسلامی مقایسه کنید: مسلمان ایرانی از نظر معارف اسلامی و فرهنگ مذهبی بر نظیر عربی خود برتری دارد، با نظیر او در سرزمین هند مقایسه کنید، برتری از آن ایرانی است، با نظیرش در ترکستان بسنجید، برتری از آن ایرانی می‌باشد. و این برتری فرهنگی و معرفتی ایرانیان را بایستی از خدمات ارجمند این نابغه بزرگ علم دانست. حضرتش معارف اسلام و علوم اهل بیت را با زبانی ساده به فارسی ترجمه کرد و در اختیار فارسی‌زبانان قرار داد که مسلمان‌های هندی و ترکستانی و عرب زبان، از این نعمت عظمی محروم بوده‌اند.

به تاریخی که به پنجاه سال پیش ختم می‌شود، کمتر خانه‌ای از خانه‌های ایرانیان بوده که یکی از کتاب‌های فارسی این مرد بزرگ در آن نبوده باشد: یا *زادالمعاد* را در آن خانه می‌دید یا *جلاء العیون* را یا *عین‌الحیوة* را و یا *حیوة القلوب* و یا *تحفة الزائر* و یا همه آنها و غیر آنها را. این نشانی است از عمر پربرکت این مرد بزرگ، و بزرگترین سعادت است برای یک خدمتگزار به دین و پیروان آیین سیدالمرسلین. از اختصاصات علمی این مرد بزرگ، بزرگترین احاطه بر اخبار و احادیث رسول خدا (ص) و ائمه هدی می‌باشد و بدان بیفزایید فهم سرشار و عمق کامل در فقه الحدیث که نظیرش را در کمتر عالمی می‌توان یافت. کسانی در فهم اخبار توانا هستند، ولی احاطه آنها به اخبار و احادیث، فوق‌العاده نمی‌باشد، و آنان که اهل احاطه به اخبار هستند، بیاناتی از آنها در توضیح مشکلات اخبار، کمتر دیده شده است. اگر بیانات این مرد بزرگ را که در تفسیر اخبار دارد جمع کنند و به صورت مستقل درآورند، دائرةالمعارف اسلامی و حدیثی و ادبی و کلامی می‌گردد. دیگر از اختصاصات و ویژگی‌های این مرد بزرگ، روش‌های مختلف و گوناگون حضرتش در تألیف می‌باشد که از نظر علم و دانش قابل تعظیم و تقدیس و احترام است.

در کتاب *مرآة العقول*، که شرح اصول کافی است، روش تحقیق و بحث از صحت و سقم حدیث دارد که در صحت بسیاری از احادیث کافی تشکیک می‌کند. در کتاب *بحار الانوار*، روشی برخلاف آن دارد و مقصودش جمع و نگهداری آنچه حدیث منتسب به رسول و ائمه است که از گزند حوادث محفوظ بماند و در معرض افکار محققان قرار گیرد که خودشان در صحت و سقم آن تحقیق کنند و مصادر همه آن احادیث را در اختیار خواننده می‌گذارد و بسیاری از رسائل کوچک بزرگان علم را به طور کامل در این کتاب آورده است. دیگر از ویژگی‌های علمی این مرد بزرگ که کمتر از دانشمندان اسلام نظیرش دیده شده، تسلط کامل بر زبان عربی و فارسی است. حضرتش زبان عربی را خوب می‌داند و خوب می‌فهمد و خوب می‌نویسد، چنانچه زبان فارسی را نیز خوب می‌داند و خوب می‌فهمد و خوب می‌نویسد.

بسیاری از تألیفات این مرد بزرگ، با مقام و منصب شیخ‌الاسلامی و قضاوت و تدریس و موقعیت بزرگ اجتماعی حضرتش، به ضمیمه اعطاء اجازات در حدیث، اعجاب‌انگیز و معجزه آسا است. چون کارهای اجتماعی به طور کلی با کارهای علمی تضاد دارد و این تضاد را حضرتش ممکن و محقق ساخته است و با یک دست، دو هندوانه را برداشته است.

از درخشان‌ترین نقاط حیات این مرد بزرگ، سلامت کشور ایران است در زمان حیات او از فتنه افغان. حضرتش تا زنده بود این سرزمین از فتنه افغان محفوظ بود و همان که از این جهان رخت برپست، فتنه آغاز شد و شد آنچه نایستی بشود.

آیا سلامت کشور در زمان حیات آن حضرت، در اثر راهنمایی‌های وجود مقدسش به شاه سلطان حسین و اوامر عالی‌هاش به دربار او بوده؟ آیا این پادشاه بدبخت به راهنمایی آن حضرت، عاقلانه سلطنت می‌کرده و ایران محفوظ مانده و کشور در آسایش می‌زیسته یا آنکه جنبه معنوی داشته است که حیاتش برای کشور سعادت بوده و وجود مقدسش حافظ ایران بوده و جلوگیری از نزول بلای افغان؟

هرچه باشد اصل مطلب از نظر تاریخی قطعی است که این مرد بزرگ تا زنده بود، ایران از خطر افغان محفوظ بوده، مرگش که فرا رسید و حضرتش را از ایران گرفت، فتنه افغان آغاز شد و این یکی از معجزات تاریخ ایران می‌باشد.

حضرتش از حسن خلق و لطیفه‌گویی و شیرین سخنی نیز برخوردار بوده، گویند: حضرتش قلیان می‌کشیده و یکی از علمای معاصرش رساله در حرمت آن می‌نویسد و برای آن حضرت می‌فرستد. نابغه علم و عقل، پس از مطالعه، جلد کتاب را از کتاب جدا می‌کند و پر از تنباکو کرده برای مؤلف می‌فرستد و پیام می‌دهد که شما با این تنباکو، قلیان بکشید تا یکدیگر را ببینیم.

از نقاط جالب، تاریخ وفات این مرد بزرگ است که شاعری - که ندانم کیست - آن را سروده که اشاره به سال و ماه و روز در سطر اول می‌باشد:

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد

سطر اول آن، استعمال لفظ در اکثر از معنی واحد دارد.

سیدرضا صدر

۳ شعبان ۱۴۱۲

۵
نابیند علم و عمل

نیز با نیا باشد با نظیر او در کشور دیگر اسلامی و حتی که کشیدند ایران
لا نظر ساری اسلام و فرهنگ خوبی بر نظیر او به خود بر سرگی دارد
با نظیر او در زمین هند و قاصد کند بر سرگی ایران از آن است .

با نظیرش در ترکستان سنجید بر سرگی ایران می باشد .
و این بر سرگی فرهنگی و موهبتی ایرانی را با هیچی از خدمات اجدادش
نابیند بزرگ علم دانست

حضرت ساریف اسلام و معلم هم میست را با زبان ساده و با نیا
کرد و در اختیار نایری زبانان آورد که سارا ساریف و کسای
و عرب زبان از زمین هند و فخر محرم بوده اند .

تا ریج که در پیج سال پیشتر ختم می شود که خانه ای از خانه های ایران است
که یکی از آن بنام ساریف نایری می شود بزرگ در آن نموده باشد
یا زادگاه در آن خانه سید و یا جلاله پهلوان را یا علم که در او
حیاته اعلی و یا کفایت از آن و یا ساریف و غیره بنا .

لینت ف ت است از هر چه بزرگت لینت در بزرگت ساریف است برای
بر سرگی خود ساریف درین و سیران لینت سید اسلمین
از خضا حات علی لینت در بزرگت ساریف ساریف ساریف
اسول خود اسلم و اندهدی می باشد

۱
نابیند علم و عمل

دوست من اتان ساریف و نایری بوده و زمین کشیده و خدای بی نام علم در آن
ایام داده و کتب به شرح حال بزرگترین نابیند علی ایران و اسلام برشته
خیزه در آورده که یادش خود را از خود آن بزرگ با نیا بگیرد .

اسراش ریجی بیکر بطا بر سر دو کتب اسراش خود را خالا از نظیر اسراش
در می آورد .
بهر حال ریج علی قهر در نا شایسته قدران از سوی مقام علم و در آن
چون خدمتی است به علم و دانش .

نابیند ساریف علم و فقیه بزرگ محجرت عالی مقام محقق به نظیر انوشیروان
عالی اسلام مدله و با نیا علی است .
حضرت ساریف از در فاضل ترین ستارگان علم در تاریخ اسلام می باشد

صدای که از نیا به نظیر از آن حضرت شربت با سلام و سلیقه صادر شده
که گستره خود تو جز در بزرگت است
از آن جمله با لایرون سلیف فرهنگ و موهبت ایرانیان و نایری زبانان
می باشد که خود آنرا با کس و نیا ساریف کرده ام

شاکتین ایرانی در اوقات و در آنرا در نظر بگیر که در دنیا با نیا
با کتب و کلامه داشته باشد و در آنکس ساریف با نیا باشد و آنکس ساریف

بیتعلم صلوات

ع

د بسیاری از بزرگان علم را بطور کامل در نظر نگرفته اند و
بسیاری از دیگران هم علمی اند که در بزرگی که کمتر در دانشمندان اسلام نظیر شما بوده
تسلط کامل بر زبان عربی و فارسی است. حضرت شریح از زبان عربی را نیز خوب
تسلط داشتند و خوب میفهمیدند. خوب میخوانید و خوب میدانید.
بسیاری تا اینهاست. اینها بزرگی که با مقام تخصص شرح اسلامی و تفاسیر
و تفسیر و توفیق بزرگی چنانچه حضرت شریح، علامه، اجالات و رهبری
ایجاب است. بجز اینها نیست.

چون لازم است چنانچه بطور کلی با کلام علمی تعداد دارد و بیخ تصادفات
حضرت شریح ممکن و محقق است. و با یکبارت و در همدانند از شما
گذرد و شریح نیز فقط علم است. اینها بزرگی که سلامت کشور ایران
است. در زمان حیات او از مقتصدان ایشان حضرت شریح آینه بود. اینها
سرزمین از مقتصدان انشان محسوب بود. و با یکبار از این جهان است
بگردد است. فتنه غارت شد آنچه بنامی بود
که با سلامت کشور در زمان حیات آن حضرت در آن زمان
و بعد از آن مقتصدان معین و امام عالی مقام شریح را بود.

بیتعلم صلوات

ع

د بدان بی خفا نیست نه سرشار حق کامل در نظر بگیرد که نظیر شما را که کلماتی
مستوران با خشت کسند در ضمن جبار توانا هستند. با طر آنجا با خیار و
فوق بی بهره می باشد و آنرا که هر جا طر با خیار هستند بیانند از این
در توضیح مشکلات. خیار که تهیه شده است.
اگر بیانات اینها بزرگی را که در تقسیم خیار دارد جمع کنند و بعد
مشغلی در کوزه دانه کلمات اسلامی و حضرت را در کلامی می باشد
بجز اینها. چنانچه صاحب است و در دیگران نیز مورد بزرگی و در دنیا مختلف و گوناگون
حضرت شریح و تالیف عبارتند که از نظر علم و دانش تا بل قاطع و تقدیر
و هر آن است.

و در کتاب سوره اسعقل که شرح اصول کلامی است. در اثر تحقیق
دکتر از محقق است. در حدیث دارد که کلامی است از حدیث
کافی و تکلیف میکند
در کتاب سوره اسعقل آن دارد و مقصود شرح جمع و نگار
آنچه حدیث است. بر سوره و هر آن است که از بزرگی که در حدیث محفول
باشد و در موضوع آنکه مقتصدان بزرگی که خودشان در حدیث است. هم آن
مقتصدی کنند. و معاصر به آن حدیث را در اختیار خواننده بگذارند.

تابعة علم و عقل

لین پادشاه بدینست برهائی آن حضرت عاقلانه سلطنت میکرد و ایران محفوظ مانده و کشور در آسایش میزیسته یا اینکه جنبه معنوی داشته است که حیاستر برابر کشور سعادت بوده و وجود معتمدش حافظ ایران بوده و جلوگیر از نزول بلای افغان ~~بهمراه~~؛

هر چه باشد اصل مطلب از نظر تاریخ قطعی است که لین مورد بزرگی نمانده بوده ایران از خطر افغان محفوظ بود مگر آنکه خراسان رسید و مرگ عمرتر را از ایران گرفت صحنه افغان آغاز شد و لین یکی از عجزات

تاریخ ایران میباشد
عمرتر در حسن خلق و لطیفه گوی و شیرین سخنی نیز برخوردار بوده گویند
عمرتر قلیان سگشده و یکی از علماء مسلم شرع و فقه در حرمت آن مینویسد
و برابر آنحضرت میفرستد اینابغه علم و عقل میر از مطالعه جلد کتاب ما
از کتاب جدا میکند و پرازیتبا کرده برابر مؤلف کتاب میفرستد
دنیام میدهد که شما بالینتبا گو قلیان بکشید تا نگردد را ببینیم
از معاط جانب تاریخ و فوات لین مورد بزرگی است که شرفی که ندیم گویند
از اسروده که پاره بال دماه در روز ~~چهارم~~ ~~اول~~ میاشد
ماه رمضان ~~چهارم~~ میرت همفروشک شد تاریخ و فوات باقر علم شد
نظر اول آن استعول لفظ دیگر از معنی جدا دارد ~~سید~~
مهرستان ۱۳۸۸